

طاق کسری کی و حکونہ ساختہ شد!

دکتر عیسیٰ بہنام
استاد دانشکده ادبیات

درفیروز آباد است . این کاخ نیز زمانی ساخته شده کہ اردشیر ہنوز پادشاہ نشدہ بود . بنا بر این نمیتوان آنرا بعنوان ساختمان ساسانی معرفی نمود .

در مغرب ایران بناہای متعدد از زمان اشکانیان موجود است ، مانند کاخ الحضرة و ابنیہ «دورا اربوس» در کنار فرات و کاخی کہ در روی ویرانہہای شہر آشور ساخته شدہ و امروز «ماکنی» از آن نیز در موزہ فردریک برلن موجود است .

بنا بر این ملاحظہ میشود کہ تعداد ابنیہ دوران اشکانی آنطور کہ ما تصور میکنیم کم نیست . بہ این ابنیہ باید کاخی را کہ اخیراً دانشمندان شوروی در اشک آباد (عشق آباد) از زیر خاک بیرون آورده اند اضافہ نمود .

اکنون موقع آن است کہ ابنیہ دوران بعد از ہخامنشی (اشکانی - ساسانی) را با ساختمانہای دوران ہخامنشی مقایسہ نمائیم و جستجو کنیم بہ چہ علت بلافاصلہ پس از سقوط حکومت ہخامنشی سبک ساختمان تالارہای بزرگ ستون دار با سقف افقی بکلی متروک شد و بجای آن ساختمانہای آجری با پوشش طاقہای تخم مرغی شکل و گنبد معمول گردید .

کاخ آپدندہ تخت جمشید با تمام عظمتی کہ داشت مناسب با آب و ہوا و سنن ایران نبود . ملاحظہ فرمودید کہ فردوسی میگوید انوشیروان ب معمار رومی گفت میخواہم کاخی بسازی کہ من و اعقاب من بتوانیم در آن زندگی کنیم و باد و باران نتواند بر آن گزند برساند :

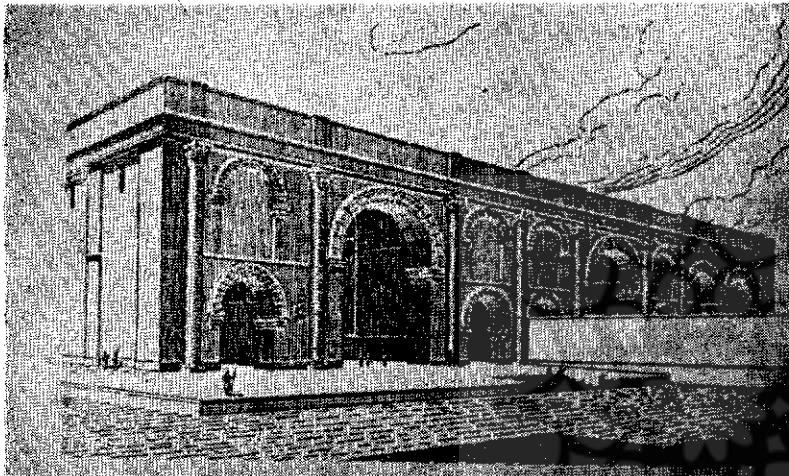
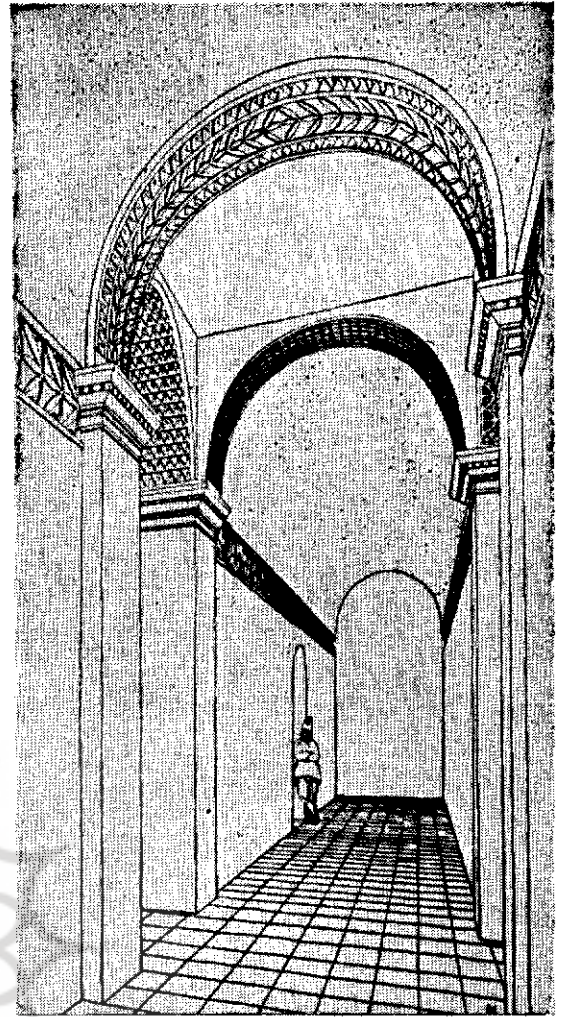
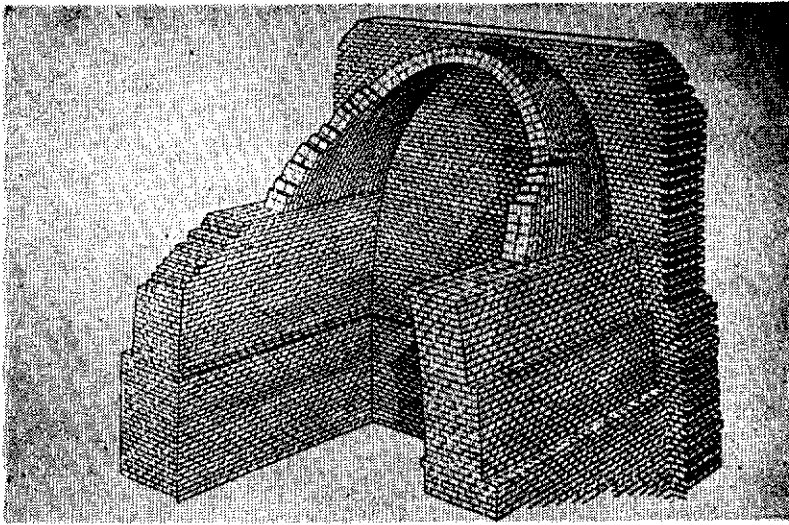
درواقع بالابردن کاخی مانند آپدندہ داریوش در تخت جمشید مخارج و وقت زیاد لازم داشت . مدت زیاد طول

در شمارہ گذشتہ ، کاخ تیسفون را بصورت اختصار معرفی نمودیم . در این گفتار کوشش خواهیم کرد موجبات فراہم شدن جنبن بنای عظیم را کہ حتی در حال حاضر موجب اعجاب کسان است کہ از کنار آن میگذرند روشن نمائیم .

بنائی کہ در آن زمان میتوانست با طاق کسری مقایسہ شود کاخ آپدندہ داریوش در تخت جمشید بود . مقصود ما از آن زمان ، دوران بعد از ہخامنشی است زیرا عقیدہ داریم کہ طاق کسری در زمان اشکانیان برپا شدہ است . در واقع اشکانیان سازندگان فعالی بودہ اند . امروز بسیاری از ساختمانہای اشکانی را با ساسانیان نسبت میدہند و سپس میگویند متأسفانہ از اشکانیان بنائی باقی نماندہ ، در واقع این خلاف واقع است . ہمین طاق کسری متعلق بزمان اشکانیان است و ما آنرا جزء افتخارات دوران ساسانی میدانیم .

مگر از یادمان رفتہ است کہ وقتی ہنوز در کلاسہای ابتدائی تحصیل میکردیم وقتی بہ آن صفحہ از کتاب تاریخ میرسیدیم کہ میگفت تراژان امپراطور روم بہ تیسفون حملہ کرد و تخت طلای اشکانیان را برد چہ حالی بما دست میداد . البتہ چنین تختی از طلا در میان بیابان قرار نگرفته بود و بدون شک این تخت طلا در زیر بنای مجلی قرار داشت و این بنا همان است کہ فردوسی آنرا بہ معمار رومی نسبت دادہ است . ما این مطلب را روشن خواهیم کرد کہ معمار طاق کسری قطعاً ایرانی است و طاق کسری را بنا بر سنتہای ایرانی ساختہ اند .

بنای دیگری را کہ بہ ساسانیان نسبت میدہند کاخ اردشیر



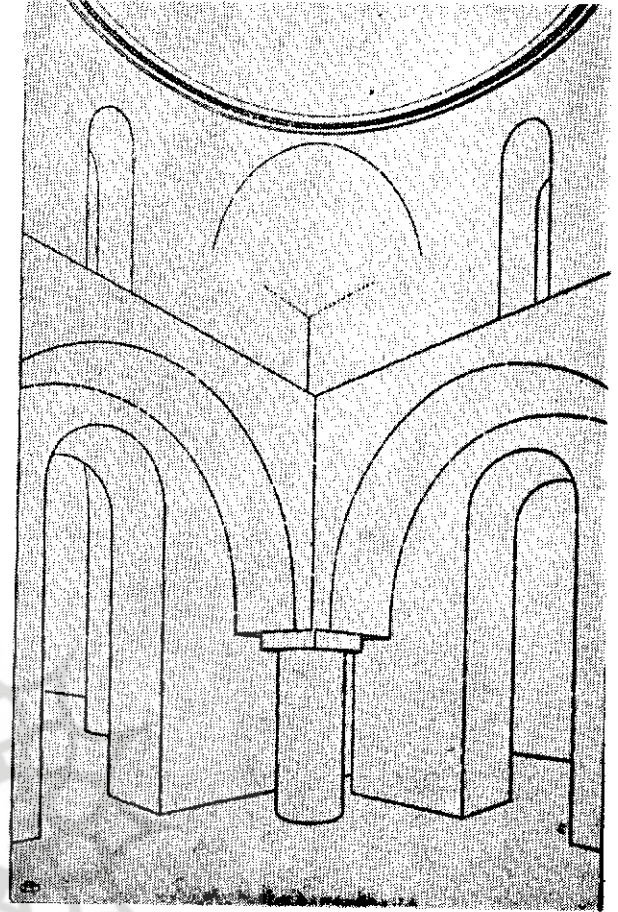
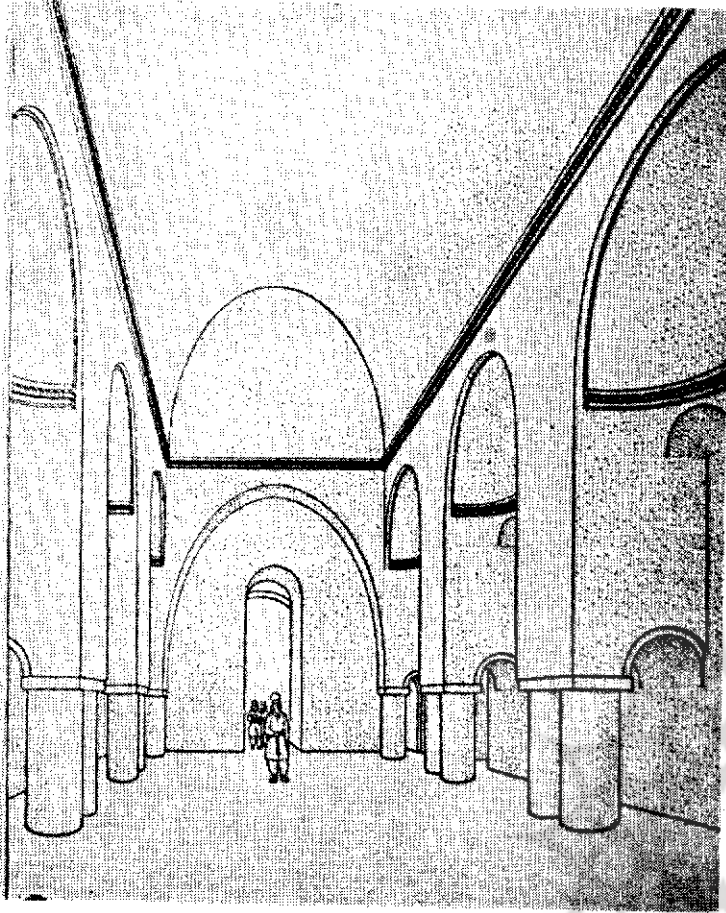
راست : داخل طاق اشگانی که در قرن دوم میلادی در روی ویرانه شهر آشور ساخته شد و اکنون در موزه فردریک برلن بازسازی شده است
چپ بالا : طریقه ساختمان طاق‌های گهواره‌ای شکل در ایران چپ پایین : نمای کاخ الحضر در کنار دجله که با سنگ‌های تراشیده ساخته شده
الحضر یکی از شهرهای معروف اشگانی است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی و پژوهشی

کشید تا سنگ تراشان تخته سنگ‌های بزرگ را از کوه رحمت جدا کردند و با زحمت زیاد آنرا بالای صَفَه تخت جمشید رسانیدند و سپس آنرا تراشیده صاف کردند و چوب‌بست‌های محکمی فراهم آوردند و قطعات بزرگتر را در قسمت پائین‌تر قرار دادند و قطعات کوچکتر را از میان چوب‌بست‌ها با طناب بالا کشیدند و روی قطعات بزرگ نشانند تا ارتفاع ستون به حدود ۲۰ متر رسید و ۷۲ ستون به این طریق زیر سقف افقی تالار آپدنه قرار داده شد . گاهی طناب پاره میشد و خطرانی کارگران سنگ تراش را تهدید میکرد و بالاخره وقتی داریوش بزرگ وفات یافت هنوز کاخ آپدنه تمام نشده بود و مدت پانزده سال شاهنشاه با قامت در تالار کوچک «تَجَر» و کاخ «سه دروازه» قناعت کرد .

خشا پارسا همانطور که در ضمن کتیبه‌ای در تخت جمشید نقل کرده است ساختمان‌های پدرش را تکمیل کرد و پیاپی رسانید و وقتی ساختمان تالار صد ستون که بدستور خود او شروع شده بود پایان یافت چیزی از عمرش باقی نمانده بود . داریوش و خشا پارسا تمام مدت عمر خود را در تخت جمشید نگذرانند و غالباً در شوش و همدان و پایتخت‌های دیگر ایران بسر میبردند و فقط روزهای عید نوروز به تخت جمشید میآمدند تا از نمایندگان ملل تابعه پذیرائی کنند ، و هدایای آنها را بپذیرند و هر کدام را بنحوی تشویق کنند تا بموطن خود راضی برگردند . بعضی از نمایندگان از راه‌های بسیار دور میآمدند زیرا شرقی‌ترین ایالت شاهنشاهی گَندَر (ناحیه سِند) و بلخ و سغد و خوارزم و غربی‌ترین نقطه آن مصر و حبشه و بنادر

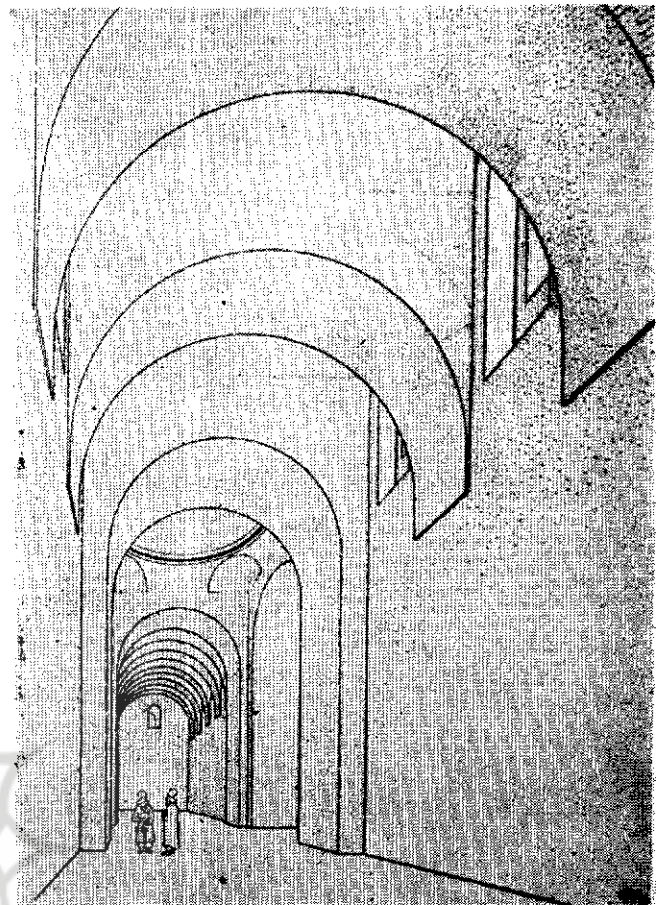
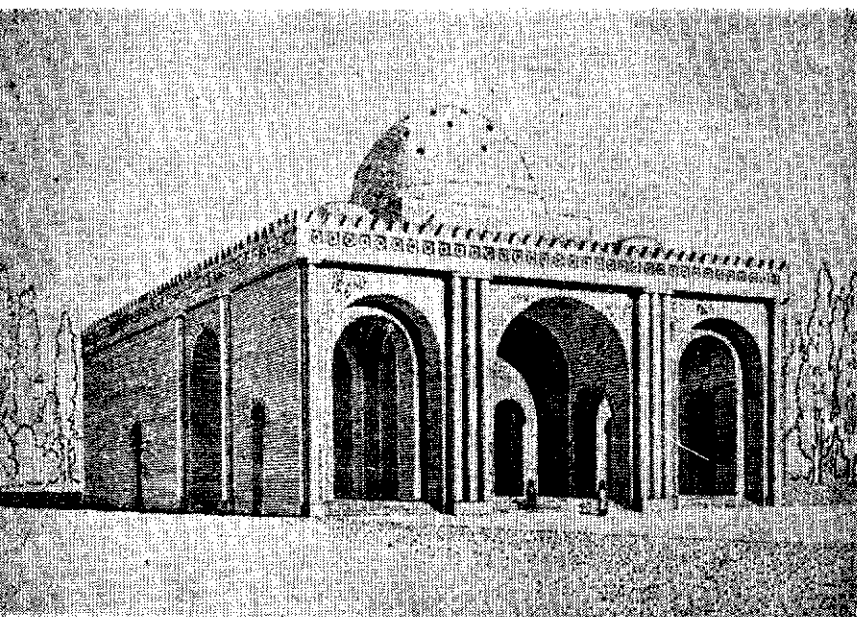


راست : داخل کاخ بهرام گور در سروستان . این کتیبه شباهت فوق العاده به گنبد نظام الملک در مسجد جامع اصفهان دارد . چپ : داخل کاخ سروستان در زمان بهرام گور

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

یونانی نشین آسیای کوچک بود . پس از خشایارشا سقف‌های عظیم تخت جمشید نقطه ضعف خود را نمایان ساخت . در واقع چوبی که این سقف‌های عظیم را نگه میداشت مورد حمله موریانه قرار گرفته بود ، با اینکه داریوش شاه خصوصاً در کتیبه‌هایش یاد آور شده است که قسمتی از این چوب‌ها از چوب صندل است که از هند آمده و قسمت دیگر از چوب‌های درخت کاج و شمشاد لبنان است . بعلاوه با وجود گاه گل ضخیمی که روی بام افقی قرار داده بودند گاهی باران از آن می‌گذشت . تدریجاً شاهنشاهان هخامنشی اقامت در شوش را بر تخت جمشید ترجیح دادند ، چون تخت جمشید بمنزله کانون خانوادگی اعیان داریوش بود ولی مرکز سیاسی شاهنشاهی شهر شوش بود . ضمناً نقش

رستم ، نزدیک تخت جمشید ، بصورت مکان مقدسی درآمده بود و در آنجا داریوش و خشایارشا بخاک سپرده شده بودند و اعتقاد آنها لااقل برای زیارت آرامگاه‌های شاهنشاهان بزرگ هر سال یک بار به تخت جمشید می‌آمدند . پس از خشایارشا ، شاهنشاهان هخامنشی ترجیح دادند آرامگاه‌های خود را در کنار تخت جمشید در دامنه کوه رحمت در دل سنگ بتراشند زیرا در واقع دیگر تخت جمشید نیز مانند نقش رستم بصورت مکان مقدسی مبدل گشته بود و شاهنشاه در هر نقطه‌ای از ایران می‌مرد جسد او را به تخت جمشید می‌آوردند و پادشاهان پیش از مرگ خود دستور میدادند آرامگاه‌شان را در سنگ بتراشند همانطور که آرامگاه داریوش سوم را در قسمت جنوبی صفا تخت جمشید در دامنه کوه رحمت تراشید بودند ولی



راست : کاخ معروف به ایوان کرخه که در زمان ساسانیان با قوس‌های گهواره‌ای شکل عرضی ساخته شده در کلیسای تررنوس در شرق فرانسه در قرن ۱۰ میلادی از این طاق‌ها تقلید شده است چپ : کاخ شکارگاه بهرام گور در سوستان نزدیک شیراز

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی با نام علوم انسانی

از نو برپا سازند .
 بنابراین وقتی حکومت هخامنشی منقرض شد هنر ساختمانی ایران بحیات خود ادامه داد و پادشاهان اشکانی شهر تیسفون را بعنوان پایتخت شاهنشاهی انتخاب کردند و در آن کاخ عظیمی با آجر برپا کردند ، و ایوان رفیعی در مقابل آن کاخ بود که کاخ آبدنه تخت جمشید میتوانست در آن گنجانبده شود و برای بالا بردن چنین ایوانی احتیاجی به برپا کردن ۷۲ ستون ۲۰ متری پیدا نکردند .
 گهواره بیستون از گرد باد و باران و موربانه و رطوبت و پوسیدگی در امان بود و با اینکه از ساختمان آن در حدود دوهزار سال میگذرد هنوز در کنار دجله که امروز بعضی‌ها آنرا میخوانند رود عرب بنامند شاه عظیم شاهنشاهی ایران است .

این آرامگاه ناتمام ماند و داریوش سوم در مشرق ایران کشته شد و معلوم نشد او در چه محلی مدفون گردید .
 اما در همان زمان که کاخ‌های بزرگ تخت جمشید و شوش با سنگ برپا میشد مردم دیگر ایران در زیر خانه‌هایی مسکن داشتند که سبک ساختمانیشان مدتی پیش از کوروش و داریوش در این سرزمین معمول بود .
 آنها خانه‌های خود را با طاق بیضی شکل و شبیه بگهواره از آجر میپوشاندند و این طاق‌ها این مزیت را داشت که مورد حمله موربانه و باران و پوسیدگی قرار نمیگرفت . گاهی وقتی دسترسی به آجر نداشتند طاق را با خشت خام بالا میبردند و اگر چه طاق‌های خشتی استحکام نداشت ولی لاقل خرج زیاده‌م نداشت و هر وقت خراب میشد میتوانستند آنرا براحتی